

# کیهان

**رزق** یکی از نعمت‌های خداوند متعال می‌باشد که انسان در زندگی روزانه خود برای به بدست آوردن آن تلاش می‌کند. بنابر برخی تعاریف رزق شامل همه مزایای زندگی اعم از مال، جاه، عشیره، یاران، علم، جمال و … نیز می‌شود. مقاله پیش رو با عنوان «بررسی رزق از منظر آیات و روایات» در نظر دارد معنا و معنوم رزق و همچنین عواملی را که بنابر آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (ع) باعث افزایش و یا کاستی رزق می‌شوند مطرح نماید.

- چیستی رزق

معنای رزق ابتدا فقط در مورد خوراکی‌ها و هر غذایی که به انسان می‌رسد صدق می‌کرد چدهندنه اش معلوم باشد و چه معلوم نباشد، سپس در معنای آن توسعه داده شد و بر هر سودی که به انسان می‌رسد اطلاق می‌شود هر چند که غذا نباشد.بنابر این اعتبار، رزق شامل همه مزایای زندگی اعم از مال، جاه، عشیره، یاران، علم، جمال و … نیز می‌شود.

بنابر نظر علامه طباطبایی منظور از (رزق حسن) در برخی از آیات قرآن، توان و علم می‌باشد. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۱۴)

- اقسام رزق

در یک نگاه کلی می‌توان رزق را به دو بخش تقسیم کرد:

**الف) رزق مادی:** این نوع رزق، رزقی است که لازمه زندگی دنیوی می‌باشد و انسان تمام موجودات زنده در این جهان برای زنده ماندن و بقای نسل خود نیازمند به آن هستند. رزق مادی بنابر احکام تکلیفی وضعی به پنج قسم تقسیم می‌شود که عبارت‌تند از:

۱) **واجب:** مانند برآورده کردن نیاز خانواده.

۲) **مستحب:** مانند رزقی که انسان از راه حرام مانند دزدی به دست آورده است.

۳) **مکروه:** رزقی که به‌دست آوردن آن حرام نیست اما بهتر این است که انسان برای به دست آوردنش تلاش نکند مثل رزقی که از راه قصابی و یا برخی مکاسب مکروه به دست می‌آید.

۴) **مباح:** مانند رزقی که انسان نیاز واجب به آن ندارد و همچنین به دست آوردن آن نیز حرام نمی‌باشد مثل کسب و کار روزانه که بطور مباح و بدون احتیاج به آن به دست می‌آید.

**ب) رزق معنوی:** این نوع رزق، رزقی است که وجود آن به انسان مفهومی واقعی می‌بخشد و با انجام اعمال نیک مثل عمل به مستحبات به دست می‌آید، در حقیقت هر انسانی که به دنبال رزق معنوی برود و برای به دست آوردن این رزق تلاش کند می‌تواند در سرای آخرت در بهشت برین برای خود مکانی مهیا کند. البته هر دو نوع رزق مذکور در بالا را می‌توان به فرمایش امیرالمومنین حضرت علی(ع) تطبیق داد که می‌فرمایند: روزی دو قسم است، یکی آن که تو از او می‌جویی، و دیگری آن که او تو را می‌جوید. (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۱)

پس بنابر این دیدگاه رزقی که انسان به دنبال آن می‌رود احتمال دارد که هم مادی باشد و هم معنوی، و همین‌طور در رزقی که خود به سراغ انسان می‌آید نیز این احتمال وجود دارد، اگر انسان فقط و فقط به فکر دنیای خود باشد.پس بنا بر هدف او این است که زندگی خود را در هر روز زیباتر از دیروز گرداند، اما کسی که علاوه بر دنیای مادی به فکر آخرت خود نیز می‌باشد، بجز رزق مادی به دنبال رزق معنوی نیز می‌رود، زیرا بهشت او علاوه بر تامين مخارج زندگی خود این است که در سرای آخرت در بهشت برین برای خود مکانی مهیا کند. کسانی که با تقوا می‌باشند و به یاد خداوند متعال هستند و اعمال واجب خود را انجام می‌دهند و برای به دستست آوردن رزق معنوی به مستحبات عمل می‌کنند، چنین افرادی فدخغه رزق مادی را ندارند زیرا رزق مادی، خود به سراغ آنها می‌آید حتی اگر به سرفراش نروند. البته این بدین معنا نیست که تلاشی برای رزق مادی انجام ندهند.

قرآن کریم دربارهٔ افراد با تقوا می‌فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌دهد) (طلاق - ۳)
**عوامل افزایش رزق**
آن آنجا که هیچ معلولی در جهان بدون علت و عامل نمی‌باشد از این رو رزق نیز معلول عامل خود یعنی رحمانیت خداوند متعال می‌باشد، علاوه بر این عامل رزق عوامل دیگری نیز دارد که باعث افزایش و یا کاستی آن می‌شوند، اکثر مردم عامل افزایش رزق را تنها زیاد تلاش کردن می‌دانند، اما تلاش تنها عامل نیست بلکه بعد از آن عامل، عوامل دیگری نیز وجود دارند که بنابر آنچه در آیات و احادیث به دست می‌آید می‌توان از جمله آنها: تقوا، انفاق، خوش خلقی با خانواده، استغفار از گناهان، ترک حرص، صله رحم، اطعام فقیر و… را نام برد که هر یک از آنها بطور جداگانه بحث خواهد شد.

- تقوا**

تقوا یکی ازفضیلت‌های اخلاقی به ششمار می‌آیدکه موجب رسیدن انسان به درجات عالی معنوی می‌شود، یکی از ویژگی‌های تقوا این است که موجب افزایش رزق می‌شود.

قرآن کریم درمورد دربارهٔ افزایش رزق می‌فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد به او روزی می‌دهد) (طلاق: ۳-۲۶۵)

بنابر این آیه می‌توان تقوا را یکی از عوامل بسیار مهم افزایش رزق دانست، مضمون این آیه این مطلب را می‌فهماند که فرد متقی حتی از جایی که خودش هم انتظار ندارد از جانب خداوند متعال برای رزق می‌رسد.

- انفاق**

در قرآن کریم در موارد بسیاری لفظرزق(راکلمه(انْفَقُوا) یا (انْفَقْ) آمده‌است و این خود نشان‌دهنده تاثیر زیاد انفاق بر افزایش رزق می‌باشد. کسی که در راه خداوند متعال چیزی را انفاق می‌کند در حقیقت بر نفس خود غلبه کرده‌و غلبه

کردن بر نفس خود یکی از راه‌های رسیدن به درجات عالی معنوی می‌باشد.

قران کریم درباره تاثیر انفاق بر افزایش رزق می‌فرماید: «قُلْ إِنْ رَبِّي نَشِطُ الرِّزْقَ لَمُنْ نَشَأْ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ مَا يَنْفَعُهُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَبِيرٌ الرَّازِقِينَ»(بگوهرنگارم روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می‌بخشد، و برای هر کس بخواهد تنگ او محدود می‌سازد، و هر چیزی را ادر راه او انفاق می‌کند، عوض آن را می‌دهد.واجب آن بر می‌کند.او و بهترین روزی‌دهندگان است) (سبأ: ۳۴، ۳۵)

- ۳.۲. خوش خلقی با خانواده**

خوشخویی با خانواده یکی از صفت‌های زیبایی می‌باشد که تمامی

## معارف Maaref@Kayhan.ir

**الف) افزایش رزق**

افزایش رزق یکی از ویژگی‌های مهم صله رحم می‌باشد، حضرت علی(ع) در این زمینه می‌فرماید:«صَلَّةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (صله رحم رزق را زیاد می‌کند) (علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غررالأخبار، ص ۱۲۹)

رسول خدا(ص) نیز درباره افزایش رزق به سبب صله رحم می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا يُؤْتَسَّرَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَ يُنْشَأُ لَهُ فِي أَجْلِهِ فَتَيْصَلُ رَحِمَهُ» (هر که دوست دارد که رزقش فزون گردد و اجزش به تأخیر افتد باید صله رحم کند) (همان، ص ۱۶۶)

**ب) طولانی تر شدن عمر انسان**
طول عمر یکی دیگر از ویژگی‌های مهم صله رحم می‌باشد، امام صادق(ع)

# رزق و روزی

## از منظر آیات و روایات

- آرمان نادری کشوری**



**\* اکثر مردم عامل**

**افزایش رزق را تنها زیاد**

**تلاش کردن می‌دانند،**

**اما تلاش تنها عامل**

**نیست بلکه بعد از این**

**عامل، عوامل دیگری**

**نیز وجود دارند که بنابر**

**آنچه از آیات و احادیث**

**به دست می‌آید می‌توان**

**از جمله آنها: تقوا، انفاق،**

**خوش خلقی با خانواده،**

**استغفار از گناهان، ترک**

**حرص، صله رحم، اطعام**

**فقیر و… را نام برد**

ائمه‌اطهار(ع) نیز این صفت زیبا را در خود دارا بودند، بنابر روایات به دست آمده از معصومین(ع) این عمل نیکو را می‌توان یکی از عواملی بر ششمرد که باعث افزایش رزق می‌شوند.

امام صادق(ع) در باره تأثیر این عمل بر افزایش رزق می‌فرماید:«مَنْ حَسَنَ بِرَهُ يَأْخُلُ بِتَيْبَةٍ زَيْدٍ فِي رِزْقِهِ» (آن کس که در حق خانواده‌اش نیکی بهتر و بیشتری داشته باشد رزقش زیاد می‌شود) (بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۰۴)
خوشخویی با خانواده علاوه بر افزایش رزق باعث طول عمر نیز می‌شود.امام صادق(ع) در حدیثی مشابه می‌فرماید:«مَنْ حَسَنَ بِرَهُ يَأْخُلُ بِتَيْبَةٍ مَدَّةَ لَهُ فِي عُمرِهِ» (هر که با خانواده‌اش خوش رفتاری کند، عمرش دراز شود) (وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶۲)

- ۳.۴. استغفار از گناهان**

استغفار و توبه از گناهان مقوله‌ای است که در منابع دینی اعم از قرآن و روایات بر آن توجه شده‌است و لزوم و تسریع در آن مورد ارشاد عقل نیز می‌باشد، استغفار موجب پاکي نفس انسان از گناهان و تیرگی‌ها می‌شود، از ثمرات استغفار از گناه می‌توان بخشیده شدن خود گناه از جانب خداوند متعال و همچنین افزایش رزق را برشمرد، حضرت علی(ع) می‌فرماید: «الْإِسْتِغْفَارُ زَيْدٌ فِي الرِّزْقِ» (استغفار رزق را زیاد می‌کند) (الصالح: ۲، ص ۵۰۵)

خود گناه را می‌توان بر دو قسم تقسیم کرد:

**الف) حق الله**

گناه حق الله، گناهی است که صرف توبه نکردن در گناه خداوند متعال می‌تواند موجب بخشیده شدن آن از جانب خداوند متعال شود، بنابراین دیگر احتیاجی به حلایت و بخشش طلبیدن از دیگران ندارد. از امثال گناهان حق‌الله می‌توان شراب خوری، سبک شمردن نماز، روزه نگرفتن، کفر ورزیدن به خداوند متعال و… را بر شمرد.

**ب) حق الناس**

گناه حق الناس، گناهی است که صرف توبه کردن در درگاه الهی نمی‌تواند موجب بخشیده شدن آن شود، بلکه علاوه بر توبه کردن احتیاج به طلب بخشش و حلایت خوستانن از آن شخصی که در حق او ناحقی شده است را دارد. از امثال گناهان حق الناس می‌توان زدنی، مال‌تیمار خوردن، نامساز گفتن به افراد، زورگویی و … را بر شمرد.

- ۳.۵. ترک حرص**

یکی از مباحث اخلاقی که علمای اخلاق از آن بحث کرده‌اند، ذریله حرص می‌باشد که بر طالیان سعادت، دفع و پاکسازی از آن برای تیل به سعادت ضروری است؛ از ثمرات ترک کردن حرص، زیاد شدن روزی است چنانچه حضرت علی(ع) در این زمینه می‌فرماید:«تُرْكُ الْحِرْصِ زَيْدٌ فِي الرِّزْقِ» (ترک کردن حرص، رزق را زیاد می‌کند) (همان، ج ۵، ص ۵۰۵)

- ۳.۶. صله رحم**

صله رحم از اموری می‌باشد که در اسلام روایات زیادی درباره لزوم عمل به آن آمده است، صله رحم علاوه بر اینکه موجب تحکیم روابط میان افراد جامعه، دوستی و آشنایان می‌شود، مزایا و ویژگی‌های دیگری نیز دارد که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌گردد:

خَصَالَ ثَلَاثَ مِئَاتٍ فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثَ مِئَاتٍ فِي الْآخِرَةِ فَأَمَّا آتِي فِي الدُّنْيَا فَيَذْبَهُ بِالْبَهَائِهِ وَ يُجْعَلُ الْفَنَاءَ وَ يَنْقُطُ الرِّزْقُ وَ آتِي آتِي فِي الْآخِرَةِ فَمَوْءُ الْجَسَابِ وَ سَخَطُ الرَّحْمَنِ وَ خُلُودٌ فِي النَّارِ» (در زنا شصت می‌باشد که سه خصلت آن در دنیا گریبان زانی را می‌گیرد، و سه خصلت آن در آخرت، اما سه خصلت دنیوی: ابرو و حیثیت را می‌برد، و مرگ و زودتر می‌رساند، و روزی را قطع می‌کند و اما سه خصلت در آخرت، در محاسبه اعمال با او بد رفتاری می‌گردد، و موجبات خشم و غضب خداوند منان را فراهم می‌سازد، و در آتش جهنم جاودان می‌ماند.) (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۶۷)

**ب) از دست رفتن آبرو**

قرآن کریم در آیه دوم سوره نور می‌فرماید: هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازینه بزینده؛ و نباید رأفت او محبت کاذب[ نسبت به آن دو شصتا را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان داریند] باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند)

در این آیه شریفه ذکر شده که هنگام مجازات افراد زناکار جمعی از مومنان شاهد اجرای مجازات باشند، که این خود باعث از بین بردن آبروی افراد زناکار می‌شود.

- ۴.۲. دروغ**

دروغ نیز همانند زنا از گناهان کبیره می‌باشد که وعده عذاب و آتش به آن داده شده است، در احادیثی که از ائمه اطهار(ع) روایت شده است به کبیره بودن دروغ تصریح شده است، رسول اکرم(ص) درباره دروغ می‌فرماید: «الکذب ينقص الرِّزْقَ» (دروغ روزی را کاهش می‌دهد) (بوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۷۲)
بنابر این حدیث یکی از عوامل موثر در کاهش رزق دروغ می‌باشد.

- ۴.۳. حرام خواری**

حرام خواری علاوه بر اینکه حرمت تکلیفی دارد اثرات وضعی نیز بر روح و روان انسان‌ها می‌گذارد و انسان را از خیرات و خوبی‌ها منع می‌کند و از اثرات وضعی دیگر حرام خواری کاهش رزق می‌بخشد چنانچه امام صادق(ع) می‌فرماید: «كَثْرَةُ السَّخْتِ يَمَقِّحُ الرِّزْقَ» (حرام خواری بسیار، روزی را از بین برد) (حسن بن علی بن عسبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۷۲)

- ۴.۴. بد خلقی**

بدخلقی سبب از دست دادن دوستان و دوری افراد و آشنایان از انسان می‌گردد. هر مقدار که شخص با دیگران روابط حسنه داشته باشد و خوش خلق باشد، دیگران به سوی وی جذب شده و طبیعتاً ارتباط‌های بالا تأثیر بسزایی در بالا بردن رزق و کسب و تجارت شخص خواهد داشت. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «مَنْ نَسَأَ خَلْفَهُ ضَاقَ رِزْقُهُ» (هر کس بد اخلاق باشد روزی‌اش تنگ می‌شود) (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۹۲)

- ۴.۵. عدم پرداخت زکات**

پرداخت زکات یکی از موارد ده گانه فروع دین بوده و واجب می‌باشد، زکات به علاوه زکات دامها و سکه‌ها تعلق می‌گیرد و وقتی پرداخت آن واجب می‌شود که مقدار آن به حد نصاب برسد که در کتب فقهی به طور کامل از آن بحث شده است.

از تأثیرات منفی عدم پرداخت زکات کاهش رزق می‌باشد، امام محمد باقر(ع) در این باره می‌فرماید: «إِنَّمَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ، مَنَعَتْ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا مِنَ الرِّزْقِ وَ التَّمْسَارُ وَ الْمَعَانِي كَلْبَهُ» (هر گاه مردم زکات خود را نپردازند، زمین برکت خود را از زراعت و میوه‌ها و معدن‌ها دریغ می‌دارد) (محمد بن علی بن بابویه، علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۸۴)

- ۴.۶. خیانت در امانت**

خیانت در امانت یکی رذیله‌های اخلاقی می‌باشد؛ و خداوند متعال نیز در قرآن کریم به عدم آن امر فرموده و می‌فرماید:«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أُولِيهَا» (خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید) (عبدالمتعال، ص ۵۸۴)

از جمله تأثیرات منفی خیانت در امانت در زندگی انسان کاهش رزق می‌باشد،

## \* اعمالی که موجب کاستی رزق می‌شوند اعمالی هستند که عمدتاً موجب گناه نیز می‌شوند. این عوامل اقسام زیادی دارد که از جمله آنها: زنا، دروغ، حرام خواری، بد خلقی، عدم پرداخت زکات، خیانت در امانت و… می‌باشد

پیامبر اکرم(ص) درباره تاثیر زیاد اطعام کردن بر افزایش رزق می‌فرماید: «الرِّزْقُ اسْتَرْجَ إِلَىٰ مَنْ يَطْعُمُ الطَّعَامَ مِنَ السَّبْكِينِ فِي السَّامِ» (روزی کسی که اطعام می‌کند سریع‌تر از فر رفتن کارد در کوهان شتر به سویش می‌آید)

الکافی، ج ۳، ص ۵۱)

- عوامل کاهش رزق**

قبلاً به این مطلب اشاره شد که هیچ معلولی در جهان بدون علت و عامل نمی‌باشد از این رو رزق نیز معلول عامل خود یعنی رحمانیت خداوند متعال می‌باشد، سپس به این مطلب اشاره شد که رزق عوامل دیگری نیز دارد که باعث افزایش یا کاستی آن می‌شوند، بعد از بحث از عواملی که موجب افزایش رزق می‌شوند نوبت به بحث از عواملی کاستی رزق می‌رسد، بدیهی است اعمالی که موجب کاستی رزق می‌شوند اعمالی هستند که عمدتاً موجب گناه نیز می‌شوند. این عوامل اقسام زیادی دارد که از جمله آنها: زنا، دروغ، حرام خواری، بد خلقی، عدم پرداخت زکات، خیانت در امانت و… می‌باشد که درباره هر یک از آنها بحث خواهد شد.

- ۴.۱. زنا**

زنا از اعمال منافی عفت و از گناهان کبیره به شمار می‌آید، به عبارتی دیگر زنا از گناهانی می‌باشد که وعده عذاب و آتش به آن داده شده و مجازات سختی برای آن در نظر گرفته شده است، قرآن کریم درباره مجازات زنا می‌فرماید: هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازینه بزینده؛ و نباید رأفت او محبت کاذب[ نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان داریند] باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند (نور: ۲)

زنا دارای آسیب‌های جبران ناپذیری می‌باشد که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد:

**الف) کاهش رزق**

پیامبر اکرم(ص) درباره تاثیر زنا بر کاهش رزق می‌فرماید: «فِي الزَّانَا سِتٌّ

باشند، اسباب و اثاثیه منزل و اتومبیل و مانند آن را تغییر می‌دهند پی آنکه اینها نیاز به تغییر و تبدیل داشته باشد. خداوند اهل تبتذیر و برادران شیطان دانسته و در قرآن از جمله ۱۱۴ سوره انعام و ۳۱ سوره اعراف می‌فرماید که خداوند مسرفران را دوست ندارد. اینکه خداوند این افراد را دوست نمی‌دارد به این معناست که کار افسردگی و ناپسند و

برخلاف اصول شریعت و اخلاق و رفتار هنجاری است. پس تبتذیر و اسراف را باید رفتاری ناپهناجر دانست و اهل تجمل‌گرایی و تفاخر را در همین دسته قرار داد و با آنان چنین تعامل و رفتاری را در پیش گرفت.

برخی از افرادی که در تجملات هستند در دسته فقاهت قرار می‌گیرند که باید اموال را از دسترس آنان دور کرده زیرا تباه کردن اموال که موجب قوام جامعه بر اساس آیه ۵ سوره نساء است، رفتاری جز برخاسته از سفاهت نیست. انسان سفیه است که با بی‌خردی و بی‌عقلی خویش اموال را این گونه تباه می‌کند.

باید توجه داشت‌که استفاده از امکانات و ابزارها و اثاثیه‌ها که مورد نیاز برای کسب آسایش و رفاه است، هرگز در معنای تجمل‌گرایی نیست. باید مزه تجمل‌گرایی یا خرید ضروریات زندگی را باز شناخت و از هم جدا کرد. مرزهای اسراف و صرفه‌جویی و مرزهای تجمل‌گرایی و ضرورت‌گرایی بسیار نزدیک است. یعنی همان طوری که یک عمل عبادی می‌تواند بی‌ارکانه شود یا از زیارکزی بیرون آید به همان سادگی و آسانی یک عمل می‌تواند از ضرورت به تجمل و از تجمل به ضرورت تغییر ماهیت یابد.

البته هر کسی که خودش بناچار کند این وجدان‌پیدا ش خواهد گفت که آنان چنین تعامل و رفتاری را در پیش گرفت.

برخی از افرادی که در تجملات هستند در دسته فقاهت قرار می‌گیرند که باید اموال را از دسترس آنان دور کرده زیرا تباه کردن اموال که موجب قوام جامعه بر اساس آیه ۵ سوره نساء است، رفتاری جز برخاسته از سفاهت نیست. انسان سفیه است که با بی‌خردی و بی‌عقلی خویش اموال را این گونه تباه می‌کند.

باید توجه داشت‌که استفاده از امکانات و ابزارها و اثاثیه‌ها که مورد نیاز برای کسب آسایش و رفاه است، هرگز در معنای تجمل‌گرایی نیست. باید مزه تجمل‌گرایی یا خرید ضروریات زندگی را باز شناخت و از هم جدا کرد. مرزهای اسراف و صرفه‌جویی و مرزهای تجمل‌گرایی و ضرورت‌گرایی بسیار نزدیک است. یعنی همان طوری که یک عمل عبادی می‌تواند بی‌ارکانه شود یا از زیارکزی بیرون آید به همان سادگی و آسانی یک عمل می‌تواند از ضرورت به تجمل و از تجمل به ضرورت تغییر ماهیت یابد.

البته هر کسی که خودش بناچار کند این وجدان‌پیدا ش خواهد گفت که آنان چنین تعامل و رفتاری را در پیش گرفت.

برخی از افرادی که در تجملات هستند در دسته فقاهت قرار می‌گیرند که باید اموال را از دسترس آنان دور کرده زیرا تباه کردن اموال که موجب قوام جامعه بر اساس آیه ۵ سوره نساء است، رفتاری جز برخاسته از سفاهت نیست. انسان سفیه است که با بی‌خردی و بی‌عقلی خویش اموال را این گونه تباه می‌کند.

باید توجه داشت‌که استفاده از امکانات و ابزارها و اثاثیه‌ها که مورد نیاز برای کسب آسایش و رفاه است، هرگز در معنای تجمل‌گرایی نیست. باید مزه تجمل‌گرایی یا خرید ضروریات زندگی را باز شناخت و از هم جدا کرد. مرزهای اسراف و صرفه‌جویی و مرزهای تجمل‌گرایی و ضرورت‌گرایی بسیار نزدیک است. یعنی همان طوری که یک عمل عبادی می‌تواند بی‌ارکانه شود یا از زیارکزی بیرون آید به همان سادگی و آسانی یک عمل می‌تواند از ضرورت به تجمل و از تجمل به ضرورت تغییر ماهیت یابد.

صفحه ۶

یکشنبه ۱۷آبان ۱۳۹۴

۲۵ محرم ۱۴۳۷ - شماره ۲۰۲۰۲



## چراغ راه

## بهترین عمل و ستون دین

**عن‌علی(ع): «الله الله فی الصلاة، فانها خیر العمل، انها عماد دینکم»**
(از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود: خدا را خدا را، خدا را در نظر داشته باشید، درباره نماز، زیرا نماز بهترین عمل و ستون دین شما است.)<sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۰۰

## حکایت خوبان



## جایگاه و اهمیت نماز و نمازگزار

«ضمهر بن حبیب» می‌گوید: از پیامبر(ص) درباره نماز سوال کردند، حضرت فرمود: نماز از سنتهای دین و مایه خشنودی پروردگار و راه روشن پیامبران است. نمازگزار از محبت فرشتگان و هدایت و ایمان و نور شناخت و روزی با برکت و راحتی بدن برخوردار است. نماز مایه ناخشنودی شیطان و سلاحی بر زبان کافر و باعث استسجاب دعا و پذیرش اعمال و توبه و فرشته مرگ و همدمی در قبر وی و بستری زیرپهلوی او و پاسخی برای تکبیر و منکر است. نماز آدمی به هنگام محشر، تاجی بر سر او، و نوری بر سیمنا و پوششی بر بدنش و حجابی میان او و آتش و حجتی میان وی و پروردگارش می‌باشد. و باعث رهایی بدن او از آتش است. نماز وسیله عبور از صراط و کلید بهشت و مهریه حوریان و بهای بهشت است. آدمی به وسیله نماز به بالاترین درجه می‌رسد، زیرا نماز تسبیح و تهلیل و تکبیر و تمجید و تقدیس و دعا و سخن است. <sup>(۱)</sup>

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۰

## پرسش و پاسخ



## ارزیابی ایمان

**پرسش:**

**راه‌های ارزیابی ایمان واقعی انسان نسبت به خدا چیست؟**

**پاسخ:**

۱- آیت‌های «ان کنتم مؤمنین» و آیات «ان کنتم امتهم» وسیله سنجش ایمان است. مثلاً خداوند به پیروز دشگان جنگ بدر می‌فرماید: «خمس غنایم را بدهید، اگر ایمان به خدا دارید» بنابراین؛ پرداخت خمس وسیله ارزیابی ایمان به خدا است.
۲. صدقه، صدقه می‌گویند؛ چون تصدقات انسان در این امت است.
۳. تسلیم بودن در برابر دوری پیامبر اسلام(ص) نشانه ایمان به خدا و وسیله ارزیابی آن است. «فلا وربک لایؤمنون». ثم لایجدوا فی انفسهم حرجاً ممّا قضیت» (نساء - ۶۵)

۴. زک بردن از نماز، وسیله ارزیابی ایمان به خدا است: «وانها لکبیرة الی اعلی الغاشمین» (بقره - ۴۵) اگر نماز برای کسی سنگین بود، نشانه آن است که خشوع ندارد.

تسلیم قلبی در برابر خدای متعال، عبادت و نماز دائمی، پرداخت وجوهات شرعی می‌تواند وسیله ارزیابی ایمان باشد.

پیامبر اکرم(ص)، چون ایمان به هدف داشت، در ماجرای مبلهه حاضر شد خود و اهل بیشت را در برابر نفرین مسیحیان قرار دهد. قرآن به پیوهی‌ها می‌فرماید: «اگر فکر می‌کنید شما از اولیای خدا هستید، نه تنها باید از مرگ ترسید، بلکه باید مشتاق آن باشید» و ترس از مرگ وسیله ارزیابی ایمان شمامت.

در جای دیگر می‌خوانیم؛ اگر به آنان دستور دهیم که خود را بکشید، با ترک خانه و کاشانه کنید، اطاعت نمی‌کنند، «لو ان کتبتا علیهم ان اقلوا انفسکم او اخرجوا من ديارکم ما فعلوه» (نساء - ۶۶)

آری، میزان ارزیابی ایمان به خدا آن است که تا کجا در راه ایمان و باورهای دینی، از چیزهای مورد علاقه خود (جان، مال، فرزند، مقام و …) می‌گذریم. هر یک از برخی روایات می‌خوانیم: «به نماز مردم مغرور نشوید؛ زیرا اگر نماز هم برای آنان هزینه‌ای داشت، انجام نمی‌دادند» علاوه بر این موارد، راه‌های شناخت دیگری هم وجود دارد؛ جمله: دوستی که انسان انتخاب می‌کند. کتابهایی که مطالعه می‌کند، فیلم‌هایی که می‌بیند. اشعاری که حفظ می‌کند. دعاهایی که می‌خواند. آرزوهایی که دارد. وسعت‌هایی که می‌بیند، بوسترها و عکس‌ها و البوهایی که می‌بیند. سخنانی که می‌گوید. موضع‌گیری‌هایی که می‌کند. شغلی که انتخاب می‌کند. همسری که بر می‌گزیند. نامی که روی فرزند خود می‌گذارد. لباسی که می‌پوشد. تقلیدی که می‌کند. رأیی که می‌دهد. معامله و تجارتی که انجام می‌دهد.

هر یک از موارد فوق می‌تواند وسیله ارزیابی ایمان باشد.

در لایلابی حوادث جوهر انسان شناخته می‌شود، در فراز و نشیب‌ها و گرفت‌ها و دادن‌ها و فقر و غنی‌ها، جوهر انسان شناخته می‌شود. در حدیث می‌خوانیم اگر شخصی را سه بار عیبانی کردی و او حرفی نزد او و رفاقت بفرقار کن. کسانی مدعی ایمان هستند اگر از مقام و عنوان و سمرمایه آنان کم شود دست به هر کاری می‌زنند. قرآن به پیوهدانی که اعداهایی داشتند و خود را فرزندان و محبویان خدا می‌دانستند و می‌گفتند: «نحن ابناء الله و جناته» (مائده - ۱۸)